

محمد بن عبد الصبور خوئی تبریزی

معروف به

حکیم قوبوئی

بقلم حاجی میرزا جعفر سلطان القرائی

در خوی متولد شده بود و در تبریز اقامت داشت ، در علم طب ماهر و یکی از بزرگان طبای عصر خود در ایران بود. از علوم دینیّه و فنون ادبیّه بهره وافیه داشت، مردی کار کرده و عالم و پرمایه بود، اوقاتی که در اصفهان به تحصیل اشتغال داشت ، گرفتار مرض هائل شقاقلوس گردیده، پایش را بریدند. ابتدا در رشته علوم دینیّه کار میکرد، میخواست در زمره عالمان دین باشد ، وقوع این حادثه ، وضع کارش را عوض کرد، بتحصیل علم طب تمایل یافت و با سعی فراوان بکسب فنون طبیّه پرداخت تا طبیب معروف زمان خود گردید . پایش که بریده شد بجای آن، پای چوبین که روی آن را با چرم پوشیده و بصورت چکمه آورده بودند ، نهادند ، بسختی و بمددکاری آن پای چوبین تردد میکرد ، بعدها که شهرت یافت و بحلقه طبای بزرگ درآمد به حکیم قوبوئی معروف شد و قوبول عبارت از همان نوع پای چوبین است و موجب شهرت همین . محسن میرزا میرآخور فرزند عبدالله میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار در منشآت خود آنجا که از درد پای خویش شکایت میکند مینویسد :

«... پای لنگک است و حوصله تنگک، خیالات پریشان چون خیالات صاحب چرس و بنگک، با اینهمه عجب از دوست و دشمن، مرد و زن، پیر و جوان، سیاه و سفید، کنیز و غلام، خرد و بزرگ، تاجیک و ترک، عارف و عامی، مکتی و شامی، هاشمی و هشامی، مرض را از تمارض فرق نمیکنند یقین دارند که من در باغ عباس آباد با خاطری شاد بزیر نارون و سرو آزاد با پای لنگک به آهنگک: (جائی که سرو بوستان با پای چوبین میچمد، با ملامحمد قبلی رقص لکزی میکنم یا با شیخ نجفقلی چوله و حسین خان نظام الدوله دستمال به دست گرفته چویی میکشم...».

این تلمیح ملیح محسن میرزا که معاصر و شاید مصاحب و معاصر ملا محمد است دلالت صریح دارد که ملا محمد با پای چوبین که قوبول باشد، حرکت میکرده و پای صحیح و سالم نداشته است.

دکتر سید محمدخان پزشکی معروف عصر ماکه با خاندان حکیم قوبولتی خویشی و پیوستگی دارد از مرحوم میرزا جبارخان ارفع الحکما پسر میرزا علی اشرف پسر ملا محمد حکیم قوبولتی روایت کرد که او میگفت: «پای جد مرا بعلت شقاقلوس بریده بودند باقوبول یعنی باپای چوبین رفت و آمد مینمود، آنست که در میان مردم معروف به حکیم قوبولتی شده بود.».

من هم کسانی را در تبریز دیدم که همین حال را داشتند و باپای چوبین در کوچه و بازار تردد مینمودند و مردم آنها را با وصف قوبولتی توصیف میکردند و چنانکه پیش از این گفته شد مراد از قوبول پای چوبین است که روی آنرا با چرم پوشیده، بصورت چکمه میآورند.

قوبول بضم^۱ اول و ثالت و سکون لام در آخر و واو حاکی از ضمه^۲ ماقبل، ترکی است، در تبریز بهمان معنی و بمعنی تیرکش و غلاف اسلحه کمری دوره قدیم و ظرف باروت و همچنین بظروف لوازم و اسباب تنباکوکشی که از چوب ساخته و روی آنرا با چرم میپوشند، اطلاق میشود و معنی ظرفیت علی الاطلاق در تمام مصادیق این لغت مندرج است. در ترکی عثمانی «قوبور» و در چغتائی «قوبور» خوانند^۳ و شاید اصل «قوبول» نیز «قوبور» بوده و با اضافه «لی» به آخر آن را به لام تبدیل کرده به ادغام «قوبولی» خوانده‌اند. در ترکی در بعضی موارد، را و لام جا عوض میکنند. لفظ «لی» در مورد بحث افاده مالکیت میکند.

میرزا محمد علیخان تربیت در دانشمندان آذربایجان زیر عنوان «حکیم قبلتی» مینویسد که: «... بدین عنوان (یعنی عنوان قوبولتی) بدانجهت شهرت یافته است که همیشه با قبل و منقل حرکت میکرده و عشق زیادی به غلیان داشته است ...».

میرزا محمد علی مدرس خیابانی رحمه الله نیز زیر عنوان «حکیم قبلتی مولانا محمد» مینویسد که: «... از آن روکه به قلیان عشق مفرطی داشته و هر جا که رفتی اسباب چای و قهوه و قلیان را که در آن زمان متعارف و در اصطلاح آذربایجانها به قبل (با دو ضمه) منقل معروف بوده بهمراه خود بردی، بهمین عنوان قبلتی (با دو ضمه و تشدید لام) شهرت یافته ...».

مرحوم تربیت مرجع نشان نمیدهد و معلوم نیست که او این مطلب

۱- لغت چغتائی و ترکی عثمانی، تألیف شیخ عثمان بخاری، رسملی قاموس عثمانی والدراری اللامعات دیده شود.

را از کجا و از کدام مأخذ روایت میکند. مرحوم مدرس خیابانی به اطلاعات خارجی مخول میکند و کاری با صحّت و سقم آن ندارد. در هر حال به موضوعات استحسانیه و مجعولات تاریخیّه شبهه است و ماحقیقت مطلب را از قول نوّه صاحب ترجمه نقل و بانوشته مرحوم محسن میرزا میر آخور مؤکّد ساختیم و اهل البیت ادری بما فیه .

صاحب المآثر والآثار شرح حال مختصری از او آورده میگوید: « ملا محمد قبلّی حکیمباشی حضور مبارک بود (یعنی ناصرالدین شاه قاجار) و در علم تشریح کتابی مشروح نوشته و مطبوع افتاده^۱ . سال تولد و وفات وی معلوم نشد ، دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار و محمد شاه را پیاپی رسانده و پاره ای از ایام سلطنت ناصرالدین شاه را درک کرده است. از تألیفات وی که تا امروز بنظر نگارنده رسیده، رساله «تعلیم نامه» است در عمل آبله کوبی که متن فارسی آن با انشای او است . این رساله بامر نایب السلطنه عباس میرزا در غره شوال سال ۱۲۴۳ به زبان فارسی انشا و در سال ۱۲۴۵ بسعی و اهتمام علی پسر حاجی محمد حسین تبریزی معروف به امین الشرع در ۵۶ صفحه با حروف سربی در تبریز بطبع رسیده است. عنوان رساله بنام فتحعلیشاه قاجار است ، در دیباچه پس از مدح نایب السلطنه عباس میرزا در کیفیت ایجاد و اختراع آبله کوبی با هایه آبله گاوی و سبب وصول این اختراع جدید از مملکت انگلیس به ایران بحث میکند و در باب اهتمام و اصرار نایب السلطنه به تعمیم آبله کوبی که چگونه برای رفع وحشت مردم و تشویق و جلب رغبت آنها ابتدا در

۱- این کتاب در سال ۱۳۰۶ تألیف شده است .

۲- گویا مراد «انوار ناصریه» است .

اولاد خود و امیرزادگان، این عمل جدید را بکار برده و بعد بوسیله حاجی بابا در اطفال رعایا و توده مردم اجرا نموده است به تفصیل سخن میگوید. اجمالا فواید تاریخی دارد و حاوی مطالب سودمند است و با وجود اختصار از نظر تاریخ درخور دقت .

دیگر کتاب مفصل و مبسوطی است در علم تشریح و فواید طبیئه موسوم به «انوار ناصریه» و آن روی سه کتاب وضع شده با این ترتیب : کتاب اول - در تشریح و مصوّر با صور و اشکال تشریحیئه . کتاب دوم - بحث در امور طبیعیئه طب جدید . کتاب سوم - بحث در معالجات .

مؤلف این کتاب را در ایام سلطنت ناصرالدین شاه قاجار تألیف نموده است و آنرا در سال ۱۲۷۲ بدستور ناصرالدین شاه بطبع رسانیده‌اند. مصور با تصاویر و نقوش تشریحیئه و با چاپ سنگی است. در پشت ورق اول نام مؤلف را با عنوان: «میرزا محمد حکیمباشی کل حکمای ایران» آورده‌اند و فضایل علمی او را بسیار ستوده‌اند و هم در آن صفحه کتاب را بنام «تشریح البشر و توضیح الصور» خوانده‌اند .

مرحوم تربیت در دانشمندان آذربایجان این سه کتاب را نیز در ضمن تألیفات وی آورده و بحث موجزی در معرفی آنها نموده است :

- ۱- خلاصه عباسی بنام نایب السلطنه عباس میرزا .
- ۲- مجمع الحکمتین بنام محمد شاه قاجار .
- ۳- ترجمه قصیده بانث سعاد بفارسی و در مقابل هریتی از آن يك رباعی .

در نقشه‌ای که بسال ۱۲۹۷ هجری قمری برای شهر تبریز ترسیم

و در مطبعه کربلائی اسد آقا باسمه‌چی در تبریز چاپ گردیده است در ضمن اسامی بعضی ابنیه و عمارات محلّه امیرخیز، کاروانسرائی بنام «کاروانسرای حکیم قوبولئی» معرفی میشود که علی‌الظاهر از مآثر این حکیم است.

دکترسید محمدخان میگوید که: او را پسری بود بنام میرزا علی اشرف، او نیز طبیب بود، شهرت و وجاهت پدر در کارش تأثیر بزرگ داشت. میرزا علی اشرف ۵ پسر داشت:

۱- معاون نظام‌هدایت (متوفی در ۱۳۱۱ شمسی)، بمشاغل دیوانی میپرداخت، در یکی از دوایر دولتی کار میکرد.

۲- میرزا خلیل خان ملقب به مشاور السلطان (متوفی در ۱۳۱۶ شمسی)، وقتی در تبریز کارگزار بود.

۳- میرزا جلیل خان ملقب به ناصرالحکما (متوفی در ۱۳۰۷ شمسی)، طبیب معروف بود.

۴- میرزا جبار خان ملقب به ارفع‌الحکما (متوفی در ۱۳۲۷ شمسی) طبیب معروف و از شاگردان طب دارالفنون تبریز بود بطهران

نیز رفته و افتخار شاگردی دکتر محمدخان کفری کرمانشاهی را هم داشت.

۵- میرزا غفارخان ملقب به شهاب لشکر (متوفی در ۱۳۲۲ هجری قمری)، در دربار شعاع‌السلطنه بسر میبرد.

فعلاً جمع کثیری از نواده‌های مرحوم قوبولئی در تبریز ساکن و از آنان اند آقایان نصرت‌الله خان شهاب لشکر و فتحعلی خان جوانبخت و منصورخان صفا.